

تعلیم المتعلّم طریق التعلّم و آراء تربیتی برهان الدین زرنوجی

نوشته علی نقی فقیهی

تعلیم المتعلّم طریق التعلّم تنها اثری است که از برهان الدین زرنوجی^۱ (متوفی در ۵۷۱ یا ۵۹۱ هـ ق^۲)، یکی از دانشمندان و مربیان اسلامی قرن ششم، بر جای مانده است. این اثر یافته‌های تحقیقی نویسنده و اسلاف و اساتید او و در حقیقت نماینده تعلیم و تربیت آن زمان در ماوراء النهر است. زرنوجی اهل زرنوج یا زرنوق است که شهری در ماوراءالنهر، واقع در ترکستان شرقی، در آسیای مرکزی است. وی در فقه و تعلیم و تربیت اساتید متعدّدی داشته است که در کتاب خود از سه تن از آنها به عنوان «استاد ما» یاد می‌کند و از برخی از تعلیمات، دستورالعملها، و نظریات فقهی و

۱. ر. ک به دهخدا، لغت‌نامه، جلد ز، ص ۳۰۹؛ محمد داغ و حفظ الرحمن رشید اویم، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ترجمه علی اصغر کوشافر، ص ۹۶، انتشارات دانشگاه تبریز.

۲. دکتر عبدالله، عبدالداثم، التریبة عبرالتاریخ من المصور القديمة الی اوائل القرن العشرين، ص ۲۶۰، دارالعلم للملایین، بیروت؛ احمد عطیة، الفاموس الاسلامی، ج ۳، ص ۵۸، مکتبة النهضة المصرية، قاهره. در تاریخ وفات زرنوجی نظریات مختلف دیگری وجود دارد. ر. ک به دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۵-۳۴۶، دارالمعرفة، بیروت.

تربیتی آنان سخن می گوید. این سه عبارتند از: (۱) برهان الدین علی بن ابی بکر الفرغانی المرغینانی^۳ (متوفای ۵۹۳ هـ ق)^۴؛ (۲) فخرالاسلام حسن بن منصور الفرغانی قاضی خان^۵ (متوفای ۵۹۲ هـ ق)؛ (۳) سدیدالدین شیرازی^۶.

زُرنوجی در کتاب خود از شخصیت‌های دیگری به عنوان «استاد» یاد می کند که یا از کتاب آنها استفاده کرده است مانند مکارم الاخلاق^۷ رضی الدین نیشابوری^۸ و یا از آنها مطالبی در تعلیم و تربیت در قالب شعر، تاریخ و نظایر آن شنیده است. مانند فخرالدین کاشانی^۹ و رکن الاسلام، معروف به «الادیب المختار»^{۱۰}.

زُرنوجی خود حنفی مذهب است و شخصیت‌هایی هم که وی از آنان مطالبی نقل می کند، همه (بجز رجال قرن اول هجری) حنفی اند، اگر چه مطالب نقل شده در زمینه تعلیم و تربیت است و ارتباطی با مذهب خاصی از مذاهب فقهی در اسلام ندارد.^{۱۱}

او به دلیل نگارش این کتاب اندکی پس از وفات به عنوان فیلسوف^{۱۲} و عالم تربیتی مشهور^{۱۳} گردید و در طول قرون گذشته بعضی شروح و تعلیقات متعددی بر کتابش نوشته اند، از جمله عالم مشهور قاضی زکریای انصاری مصری ملقب به شیخ الاسلام^{۱۴} (متوفای ۹۲۶ هـ ق) و ابراهیم بن اسماعیل از دانشمندان قرن دهم هجری است. وی این شرح را در سال ۹۹۶ هـ ق برای سلطان مراد خان سوم پسر سلطان سلیم نوشت و آن را شرح تعلیم المتعلم نامید.^{۱۵} این شرح در سال ۱۳۱۱ م در قاهره به چاپ رسید.^{۱۶}

۳. وی مؤلف کتاب الهدایة فی فروع الفقه است. او اهل شهر فرغانه واقع در آسیای مرکزی است و تأثیر زیادی بر زُرنوجی داشته است و به همین دلیل در همه منابعی که از زُرنوجی نام برده شده است، با تعبیر «تلمیذ صاحب الهدایة» از او تعریف به عمل آمده است. و به دیگران معرفی گردیده است. همین تعبیر در روی جلد کتاب زُرنوجی نیز نگاشته شده است. زُرنوجی در صفحات ۴، ۱۱، ۱۶، ۱۷ و ۱۹ کتاب خود از وی به عنوان «استاذنا» یاد کرده و در این موارد و صفحات ۶، ۱۰، ۳۱ و ... مطالب تربیتی از وی نقل می کند.

۴. رجوع شود به دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۵ و ۳۴۶، دارالمعرفة، بیروت.

۵. تعلیم المتعلم طریق التعلّم، ص ۵ و ۱۶. ۶. همان، ص ۴ و ۷. ۷. همان، ص ۸.

۸. رضی الدین نیشابوری معروف به استاد الاثمة، دانشمند و شاعر نیمه دوم قرن ششم، (متوفی ۵۹۸ هـ ق) کتاب مکارم الاخلاق او، به بررسی است. رجوع شود به دهخدا، ج ۱، ص ۵۰۳.

۹. تعلیم المتعلم، ص ۱۳. ۱۰. همان، ص ۳ و ۱۹. ۱۱. دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

۱۲. احمد عطیة الله، القاموس الاسلامی، ج ۳، ص ۵۸۵۷، قاهره.

۱۴. وی صاحب تألیف فتح الرحمن در تفسیر و ارشاد الساری در حدیث نیز هست. ر. ک به القاموس الاسلامی، ج ۳، ص ۶۹.

۱۵. ر. ک به سرکیس، یوسف البامه، معجم المطبوعات العربیة و المعربیة، ج ۱، ص ۱۱، مکتبة آية الله نجفی مرعشی.

۱۶. دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

کتاب زُرنوجی در سال ۱۷۰۹ م به لاتینی^{۱۷} ترجمه، و در همان سال به اهتمام یلندوس در آلمان چاپ شد^{۱۸}؛ در سال ۱۸۳۸ م کاسپاری آن را با مقدمه فلیشر، در لایپزیک منتشر کرد^{۱۹} و در سال ۱۹۴۷ نیز ترجمه انگلیسی آن، در لندن انتشار یافت.^{۲۰} متن کتاب به زبان عربی اولین بار در سال ۱۳۱۹ هـ ق در مصر به چاپ رسید.^{۲۱} این کتاب با تحقیق مصطفی عاشور در مصر و بدون ذکر تاریخ چاپ، انتشار یافت.^{۲۲}

ارزش کتاب زُرنوجی

در مورد ارزش کتاب زُرنوجی عقاید مختلف است: از جمله عبدالله عبدالدائم از آن به صورت کلی تعریف نموده و معتقد است با حجم کم آن بسیار پرفایده و با ارزش است، زیرا این کتاب خلاصه آراء مربیان مسلمان تا آن زمان است و در طول قرون گذشته مورد عنایت و توجه مسلمانان بوده و شرحها و تعلیقه‌های متعددی بر آن نوشته شده است.^{۲۳}

بعضی مانند ابراهیم سلامة این کتاب را بسیار باارزش و از نظر تربیتی و روان‌شناسی بسیار بااهمیت دانسته‌اند و حتی آن را از نظر تعلیم و تربیت مهمتر و باارزشتر از کتاب قابسی ارزیابی کرده‌اند.^{۲۴} بعضی مانند عارف عبدالغنی از زُرنوجی فقط در ردیف مربیان مسلمان نام برده و به ذکر تعداد فصول کتاب وی و خلاصه مطالب آن اکتفا کرده‌اند و بیش از این در مورد او و کتابش چیزی نگفته‌اند.^{۲۵} نظر دیگر این است که کتاب زُرنوجی، همه، گفتار گذشتگان است و خود نظریه‌ای تربیتی ندارد، ولی مسائل را خوب انتخاب و دسته‌بندی کرده است و به همین دلیل هم شهرت یافته است.^{۲۶}

برخی از غربیان هم در مورد این کتاب به عنوان کتاب شایان توجهی در تعلیم و تربیت سخن

۱۷. ر.ک به دکتر محمد داغ و حفظ الرحمن رشید اوین، تاریخ تعلیم و تربیت الاسلام، ترجمه علی اصغر کوشافر، ص ۹۶.
۱۸. ر.ک به معجم المطبوعات العربية و المعربة، ج ۱، ص ۹۶۹.
۱۹. همان، و تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۹۶.
۲۰. تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۹۶.
۲۱. در این مقاله همین چاپ مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است و زیرا کس آن در کتابخانه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه موجود است.
۲۲. ر.ک به عارف عبدالغنی، نُظْمُ التعلیم عند المسلمین، ص ۲۹۱، دار کنان، دمشق.
۲۳. التریة عبر التاريخ من العصور القديمة الى اوائل القرن العشرين، ص ۲۶۰.
۲۴. ر.ک به دکتر محمد منیر مرسی، تاریخ التریة فی الشرق و الغرب، ص ۲۷۸، عالم الکتب، القاهرة، ۱۹۹۳ م.
۲۵. نُظْمُ التعلیم عند المسلمین، ص ۲۶۶ تا ۲۷۰، دار کنان، دمشق.
۲۶. دائرة المعارف الاسلامية، ج ۱۰، ص ۲۴۶.

گفته‌اند و از مؤلف آن به عنوان فیلسوف تربیتی یاد کرده‌اند.^{۲۷} اقدام به ترجمه به زبان آلمانی و انگلیسی و چاپ و نشر آن گواه بر این معنی است که این کتاب در نظر بعضی از آنان - لاقلاً - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

بعضی مانند احمد فؤاد الاهوانی کتاب زرنوجی را کم‌حجم و بسیار کم‌ارزش دانسته‌اند. اهوانی معتقد است که کم بودن تألیفات تربیتی، در بین مسلمانان، دلیل شهرت چنین کتاب کم‌ارزشی در بین آنها شده است. حجم آن حتی از یک فصل از فصول مباحث تربیتی هم که در کتب فقه تدوین شده، کمتر است. وانگهی نظریه جدید تربیتی در آن مطرح نشده است، بلکه مؤلف آنچه متداول و معروف بوده، همراه با حکایات و اشعار و امثال نقل کرده است. به علاوه مطالب ذکر شده بر اساس علمی مبتنی نیست و در بسیاری از موارد بحث را تا عقاید وهمی عامه مردم تنزل می‌دهد. مانند اینکه: جاروب کردن در شب، سوزاندن پوست پیاز و سیر، شانه‌زدن با شانه شکسته، نشسته عمامه بستن، ایستاده شلوار پوشیدن و نظایر آن را مانع رزق دانسته است و به پیروی از نظریات صوفیانه بر آن است که متعلم باید با زبان و قلب به شکر خدا اشتغال داشته باشد و فهم و علم و توفیق را از خدا بداند و هدایت را با دعا و تضرع از او طلب کند. سپس اهوانی در مقایسه تصوف غزالی با تصوف زرنوجی می‌گوید: غزالی هم قبل از زرنوجی متصوف بود، اما او نظر علمی داشت و لازم می‌دانست که انسان در آغاز به معرفت علوم بپردازد و بعد از تحصیل علوم، و در آخر عمر به تصوف روی آورد. اما زرنوجی بعد از اینکه به متعلم توصیه می‌کند که به مذاکره، مناظره و دقت و تأمل بپردازد، از ابوحنیفه نقل قول می‌کند که گفته است: من علم را با حمد و سپاس به دست آورده‌ام. در حالی که حمد و سپاس، بعد از تحصیل علم است نه از اسباب تحصیل علم. و یا اینکه می‌گوید: متعلم نباید بر خود و عقل خود اعتماد کند، بلکه باید بر خدا توکل کند و حق و هدایت را از او مطالبه نماید. به نظر اهوانی این نوع پند و اندرزها موجب پدید آمدن روح اتکاء به غیر و کسالت و عدم اعتماد به نفس در بین مسلمانان است. اهوانی پس از نقل این توصیه زرنوجی که متعلم نباید با رنگ قرمز بنویسد زیرا نوشتن با قلم قرمز کار فلاسفه است و سنتی نیست که از اسلاف خودمان به ما رسیده باشد، می‌گوید این نظر فاقد دلیل معقول و در غایت جهود است؛ مگر نوشتن با مداد قرمز چه عیبی دارد؟

۲۷. همان، ص ۳۴۵ به نقل از ادوارد ثان دیک در کتاب اکتفاء التنوع بما هو مطبوع، ص ۱۹۰، قاهره، ۱۸۹۶؛ بروکلیمان، تاریخ ادبیات عرب، ج ۱، ص ۳۷۹.

نقد کلام اهوانی

به نظر ما، این گونه اظهار نظر کردن درباره کتاب زُرنوجی خود نقدی غیر علمی است، علاوه بر آنکه این نوع داوری، به قول دکتر محمد منیر مرسی، بسیار دور از انصاف است. زیرا اولاً گر چه حجم کتاب کم است، ولی یازده فصل دارد که ده فصل آن مستقیماً مربوط به تعلیم و تربیت است و به بیان مسائل مهم در این موضوع پرداخته است. ثانیاً اموری که به عنوان عقاید و همی عامه مردم و غیر علمی از ایشان نقل شد غالباً اموری است که در روایات به عنوان مکروه ذکر شده است. و باید توجه داشت که لازم نیست که همه چیز به صورت علمی تجربی به دست آمده باشد. و اصولاً دانشمندان اسلامی که در تعلیم و تربیت سخن گفته‌اند، همانند زُرنوجی، برداشتهای خویش را از متون اسلامی و عمل علمای گذشته بیان کرده‌اند و غرض آنان این است که نظام تعلیم و تربیت اسلامی را مطرح کنند. بنابراین نیازی نیست که نظریاتشان بر تجربه استوار باشد. همان طور که بسیاری از آنچه در تعلیم و تربیت امروزی هم مطرح است، مستند به تجربه نیست مانند: اهداف کلی که در هر مکتب تربیتی مطرح می‌شود از تجربه علمی به دست نیامده است، بلکه بیشتر تحلیلهای عقلی و آرمانهای آن مکتب است که در نظام تعلیم و تربیت خویش بر آنها تأکید شود. بنابراین نباید چنین پنداشت که نظریات زُرنوجی چون مبتنی بر تجربه نیست، اعتبار ندارد.

ثالثاً آنچه زُرنوجی در مورد شکر به طالب علم توصیه می‌کند این است که وی به صورت همه جانبه نسبت به نعمتهایی که خدا به او داده و او را موفق به فهم و درک علوم کرده است، سپاسگزاری کند و شکر زبانی، قلبی، عملی و مالی داشته باشد. و این همان است که در قرآن و روایات آمده و از مسلمانان خواسته شده است که چنین عمل کنند. روشن است که وی می‌خواهد روحیه توکل را در متعلم زنده کند. و تأکید وی بر توجه به خدا و توکل بر او، دلیل تمایل او به تصوّف نیست.

رابعاً آنچه زُرنوجی از ابوحنیفه نقل می‌کند که علم را با حمد و شکر به دست آوردم بدین معنی است که شکر و حمد به عنوان عاملی از عوامل معنوی در ازدیاد علم و پیشرفت علمی متعلم مؤثر است. و این همان است که به تفصیل در قرآن و روایات بیان شده است که شکر نعمت نعمت را زیاد می‌کند و شکر نعمت عقل و علم باعث ازدیاد علم و عقل می‌شود. و به همین منظور، زُرنوجی قبل از نقل کلام ابوحنیفه، در مورد نعمت عقل و علم، شکر و حمد را مطرح می‌کند و می‌گوید: «لأنه شکر

علی نعمة العقل و العلم و أنّه سبب للزیادة».^{۲۸}

به نظر ما کتاب زرنوجی گر چه کم حجم است، ولی در آن برخی از مسائل مهم تربیتی و روان شناسی مورد توجه قرار گرفته است و مسائل مهمی را مانند انگیزه تحصیل، آمادگی روانی قبل از تحصیل، شیوه آموزش، اخلاق متعلم، عوامل پیشرفت تحصیلی، و عواملی که باعث افت تحصیلی می شود، بررسی کرده است. گر چه گفته شده است که وی آراء گذشتگان را جمع آوری کرده و از خود آراء جدیدی ندارد^{۲۹} و یا از غزالی متأثر است^{۳۰} و فکر متایل به تصوف دارد،^{۳۱} ولی باید توجه داشت که وی آراء مدون و نظام یافته دیگران را جمع آوری نکرده است. آراء غیر منظمی وجود داشته و وی در گزینش مسائل و دسته بندی آنها ابتکار نشان داده است. چنین کتابی که سراسر مربوط به موضوع تعلیم و تربیت باشد، تا آن زمان، در بین مسلمانان وجود نداشته است. کتاب زرنوجی مانند کتابهای ابن سحنون و قابسی نیست که به شیوه فقهی، مباحث فقهی و حقوقی را با مباحث تعلیم و تربیت مخلوط کرده باشد. بلکه تمامی مسائل به صورت منظم و فصل بندی شده در تعلیم و تربیت و مبانی روان شناختی آن است.

مباحث کتاب

زرنوجی در مقدمه کتاب لزوم یادگیری و تقسیم بندی علوم را از حیث لزوم تعلّم بیان می کند و در فصل اول تحت عنوان «انگیزه تعلّم» با ذکر انگیزه های باارزش در یادگیری، فراگیری را با معنویت مرتبط و هماهنگ می سازد و تأکید می کند بر اینکه محصلی که با انگیزه الهی و آخرتی درس می خواند از معلومات خود برای خدمت به مردم و ارتقاء کمالی خویش و جامعه استفاده می کند و هرگز علوم خویش را به زیان جامعه به کار نمی گیرد. وی معتقد است که این انگیزه باارزش است که باعث می شود شخص در طول تحصیل به کسب تقوا بپردازد و پس از فراغت از تحصیل و پذیرفتن مسئولیت با تعهد دینی و الهی در خدمت مردم باشد. احیاء تفکر دینی، لذت از تعلّم و آموزش به دیگران و سیاستگرایی از دیگر انگیزه هایی است که زرنوجی در یادگیری مطرح می سازد.

یادگیری در نظر زرنوجی به دوره ای خاص از دوره های رشد محدود نمی شود، بلکه از کودکی آغاز می شود و تا پایان عمر ادامه دارد، ولی بهترین دوران تحصیل را دوره های کودکی، نوجوانی و

۲۸. تعلیم المتعلم.

۲۹. اهلوانی، التریبة فی الاسلام، ص ۲۳۹.

۳۰. اهلوانی، التریبة فی الاسلام، ص ۲۳۹.

۳۱. عبدالدائم، التریبة عبر التاريخ، ص ۲۶۰.

اوایل دوره جوانی ذکر می‌کند، زیرا آمادگی فرد از نظر رشد بدنی، عقلانی، عاطفی در این دوره‌ها نسبت به دوره‌های نوزادی، میان‌سالی و کهنسالی، بیشتر و مناسبتر است.^{۳۲}

چگونگی موفقیت یادگیرنده از موضوعات مهم یادگیری است که مورد توجه زرنوجی است. وی نه عامل برای پیشرفت تحصیلی بر می‌شمارد و نسبت به موانع آن هم به معلم هشدار می‌دهد. به نظر وی همت بلند همراه با جدیت عامل پیشرفت یادگیرنده می‌شود و اگر معلم در یکی از آن دو ضعیف باشد موفقیت چندانی در تحصیل به دست نمی‌آورد. البته کوشش هماهنگ معلمان و اولیاء نیز لازم است. زرنوجی با ذکر آیاتی از قرآن و حدیث نبوی دونهمتی و سستی را آفت تحصیل می‌داند و نمونه‌هایی از بلند همتی و جدیت دانشمندان را به عنوان عامل موفقیت آنها ذکر می‌کند.^{۳۳}

مشاوره با معلمان در انتخاب رشته تحصیلی نیز در پیشرفت تحصیلی مؤثر است. زیرا معلمان بهتر از هر کس دیگر می‌توانند معلمان را با توجه به تفاوت‌های فردی و استعدادها و علاقه‌هایشان، در رشته مناسب علمی، هدایت کنند. زرنوجی تجربه نسل‌های گذشته را در این زمینه یادآور می‌شود و مشاوره در انتخاب رشته تحصیلی را یکی از اسباب پیشرفتهای اساتید و بزرگان علمی به حساب می‌آورد.^{۳۴}

هوش و حافظه نیز از نظر زرنوجی از مهمترین عوامل یادگیری است. او هوش و حافظه را از یکدیگر جدا نمی‌داند و از هر دو به عنوان حافظه یاد می‌کند و اموری را هم که سبب قوی شدن حافظه می‌شود بر می‌شمارد. کوشش در فهم درست مطالب درسی، مطالعه منظم و حفظ تدریجی، کم کردن مشغولیات ذهنی به امور بی‌بهره و غیر درسی، مسواک کردن، پرهیز از برخوردی و جز اینها اموری است که به نظر وی در تقویت حافظه مؤثر است.^{۳۵}

زرنوجی فترت و فاصله زمانی در مقاطع تحصیلی را مانع پیشرفت تحصیلی می‌داند و از استاد خود نقل می‌کند که موفقیت‌های وی مرهون پیوستگی تحصیلی او بوده است. بنابراین باید از ترک تحصیل موقت نیز جلوگیری شود تا باعث افت تحصیلی در دانش‌آموزان نشود.^{۳۶}

یکی دیگر از عوامل پیشرفت تحصیلی مطالعه دقیق و اندیشه‌ورزی عمیق است که بصیرت و بینش را در یادگیرنده پدید می‌آورد. به نظر زرنوجی مطالعه و اندیشه‌ورزی در صورتی بینش یادگیرنده را تقویت می‌کند و عامل پیشرفت او می‌شود که در شرایط مناسب روانی انجام شود و

۳۲. ر. ک به فصلهای ۳، ۴، ۶، ۸ از کتاب تعلیم المتعلم طریق التعلیم.

۳۳. تعلیم المتعلم طریق التعلیم، فصل ۳ و ۷.

۳۴. همان، فصلهای ۴ و ۵.

۳۵. همان، فصل ۱۰.

۳۶. همان، فصل ۱ و ۲.

شخص با نشاط و بدون اضطراب و احساس خستگی مطالعه کند. نویسنده برای رفع خستگی و ایجاد نشاط در مطالعات بی در پی، شیوه تغییر موضوع و متنوع ساختن مطالعه را پیشنهاد می‌کند و تجارب ابن عباس و محمد بن حسن بخاری را در این زمینه دلیل مؤثر بودن این شیوه ذکر می‌کند.^{۳۷}

بهره‌برداری کامل از وقت نیز از عوامل پیشرفت در نظر زرنوجی است. وی، با استفاده از فرموده پیامبر (ص) و تجارب علمای گذشته، توصیه می‌کند که هر متعلمی برنامه‌ریزی کند تا کاملاً از وقت خود استفاده کند و برای این منظور ابزار مطالعه، تحقیق و یادداشت خود را از کتاب، دفتر و قلم، همیشه، به همراه داشته باشد و در شرایط مناسب از استادان و صاحب نظران سؤال کند و راهنمایی بجوهد و آنها را بنویسد و به جمع‌آوری و بررسی آنها بپردازد.^{۳۸}

زرنوجی از مباحثه و مذاکره علمی به مشاوره علمی تعبیر می‌کند و آن را از مطالعه مکرر در پیشرفت متعلمان مؤثرتر می‌داند و در اهمیت و تأثیر آن می‌گوید: به تجربه ثابت شده است که یک ساعت مباحثه از یک ماه مطالعه مکرر مفیدتر است. وی مباحثه را نه تنها در رشد علمی متعلمان با اهمیت ذکر می‌کند بلکه با توجه به اصل مجاورت آن را در رشد اخلاقی آنان نیز بسیار مؤثر می‌داند و به همین دلیل به متعلمان توصیه می‌کند که هم مباحثه‌های خود را با دقت از بین هم‌شاگردی‌های وارسته انتخاب کنند و در بحث نیز از هر گونه خشم، اضطراب، شدت و حدت، پرهیزند و سعی نکنند که یکدیگر را اغفال کنند و یا لغزشهای یکدیگر را به رخ بکشند، بلکه با روحیه همکاری و تعاون و انصاف برای روشن شدن بهتر مسائل و کشف حقایق علمی بکوشند.^{۳۹}

زرنوجی تأکید می‌کند که ثروتمندان باید خرج تحصیل دانش آموزان بی‌بضاعت را عهده‌دار شوند و دانش آموزان سنین بالاتر که قادر به کارند باید حرفه‌ای بیاموزند و شغلی انتخاب کنند و با درآمد حاصل از آن به تحصیل بپردازند. زرنوجی درس خواندن همراه با کار را شیوه علمای گذشته ذکر می‌کند و معتقد است که بسیاری از آنان، بدون تکیه بر درآمد دیگران، توانسته‌اند به موفقیت دست یابند.^{۴۰}

بخش دیگری از کتاب تعلیم‌المتعلم طریق‌التعلم زرنوجی درباره اخلاق و آداب متعلم است. به نظر زرنوجی پاسداری از حرمت علم، توجه به شأن و مقام رفیع معلم و احترام به او در کلام و رفتار، حرف‌شنوی از او، استماع نیک و خوب گوش دادن و دل به درس معلم سپردن، باارزش تلقی کردن کتاب و درس، زیبا نوشتن، کتابت مطالب درسی پس از آنکه خوب فهمیده شود، انتخاب دوست و

۳۷. همان، فصل ۴.

۳۸. همان، فصل ۴.

۳۹. همان، فصل‌های ۴ و ۸ و ۹.

۴۰. همان، فصل ۵.

هم بحث شایسته، احترام به هم شاگردها، تحمل سختی و مشکلات زندگی در راه تحصیل و صرف مال برای آن، اشتغال به کارهای خوب و پسندیده دیگر در اوقات فراغت و تعطیل، پرهیز از تضييع وقت، اجتناب از رذایل اخلاقی مانند غیبت، سوء ظن، عداوت و کینه‌توزی، دوستی با اهل فساد، پرخوری، خواب زیاد از وظایف و آداب و اخلاق متعلم است.^{۴۱}

زُرنوجی بر این اعتقاد است که یکی از ویژگیهای معلم حفظ عزت و شأن شغل خویش است و این بدین معنی است که معلم باید از امور ذلت‌آور و پست و اخلاق ناشایست و دون شأن معلّمی بپرهیزد و به همکاران خود احترام بگذارد و در حفظ آبرو و عزّت آنها بکوشد. از سوء ظن به معلم دیگر اجتناب کند و به نزاع و محاصمه با او برنخیزد.

آمادگی تدریس ویژگی دیگر معلم است. معلم باید هم توانایی کافی در اجرای آموزش و شیوه تدریس صحیح به دست آورد و هم مواد و موضوعات درسی را درست و مناسب با سطح فهم دانش‌آموزان انتخاب کند و به آنها آموزش دهد. آمادگی تدریس باعث می‌شود که معلم، علاوه بر پاسداری از عزّت معلّمی، از اغراء به جهل متعلمان مصون بماند و انحراف فکری، عقیدتی، اخلاقی و رفتاری در آنان پدید نیآورد.

زُرنوجی ضمن اینکه تواضع و دوری از تکبر را برای معلم لازم می‌شمرد، بر توأم بودن صفات شفقت و نصیحت و خیراندیشی نسبت به متعلمان تأکید می‌کند و می‌گوید: معلم همانند پدری مهربان باید نسبت به سرنوشت متعلم و خیر و صلاح وی حساس باشد و شفقت و نصیحت را هماهنگ با هم اعمال کند تا تأثیر بیشتری داشته باشد. موفقیت معلم در ایفای نقش خود موقوف به اعمال هماهنگ این دو ویژگی است.^{۴۲}

زُرنوجی برای موفقیت معلم در تعلیم و تربیت متعلمان اعمال شیوه‌های دیگری را نیز لازم می‌داند، از جمله می‌گوید: معلم باید درس را برای متعلمان، به ویژه برای مبتدیان، در روزهای مبارک و ایام خوشی آنان آغاز کند تا آنها به علم‌آموزی رغبت کنند و به آن به عنوان امر مقدّس و مبارک بنگرند. باید اهمیت و ارزش علم و آثار آن در زندگی مادی و معنوی را برای آنها به صورت خیلی ملموس بازگو کند تا با انگیزه قوی به فراگیری بپردازند. به علاوه باید سعی کند که درس طولانی و خسته‌کننده نباشد و ارائه مطالب تا آنجا ادامه یابد که در متعلمان کشش فراگیری وجود دارد. حجم زیاد درس مبتدی را برای فهم و حفظ مطالب دچار مشکل می‌سازد. بنابراین، لازم است که درس

۴۲. همان، فصلهای ۱ و ۳ و ۷.

۴۱. همان، فصلهای ۲، ۶، ۷، ۸ و ۹.

برایش تکرار شود و با مرور بیشتری آن را حفظ کند. و اگر مدتی این چنین به یادگیری ادامه دهد وی عادت به تکرار می‌کند یعنی تا تکرار و مرور زیاد نکند نمی‌فهمد و یا از بر نمی‌شود. ترک این عادت هم کار آسانی نیست و در نتیجه متعلم دچار کندذهنی تصنعی و ناتوانی در حافظه می‌شود.

سیر آموزش باید از آسان به مشکل باشد، زیرا این شیوه موجب می‌شود که متعلم مسائل را آسان‌تر بفهمد و کمتر دچار خستگی شود. زرنوجی بر این شیوه به عنوان روشی که مورد تجربه قرار گرفته و در یادگیری بسیار مؤثر است، تأکید می‌کند.

معلم باید از سخت‌گیری بپرهیزد و با متعلمان مدارا کند، زیرا سخت‌گیری این احساس را در متعلم زنده می‌کند که درس بر او تحمیل می‌شود و از این رو او هم مقاومت می‌کند و در نتیجه از پیشرفت در تحصیل باز می‌ماند.^{۴۳}

این بود اجمالی از مباحث عمده‌ای که در کتاب تربیتی تعلیم المتعلم طریق التعلّم زرنوجی در ده فصل آمده است، البته این کتاب فصل یازدهمی هم دارد که درباره رزق و روزی و موجبات آن است که نیازی به بیان اجمالی آن نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی